

## ایران یا پرشیا؟

اگر چه بر اساس نوشته‌های پیشا اسلامی و پسا اسلامی کشور ما همواره ایران نامیده می‌شده (در زمان ساسانیان «ایران شهر» Eranshahr = کشور آریایی)، اما به دلیل این که نخستین بار مردم پارس شاهنشاهی بزرگ هخامنشی را پدید آوردند، در زبان یونانی و پس از آنان در میان رومیان و اروپاییان، کشور ما Persia (پارس) خوانده شد. تازیان یا عربان نیز کشور ما را مملکت فارس یا فرس می‌خواندند. مانند نامه‌ی [منسوب به] پیامبر اسلام به خسرو پرویز که در آن وی را «کسرا، عظیم الفرس/الفارس» (خسرو، بزرگ ایرانیان/ایران) خطاب کرده است.

پیشتر در نمونه‌های از شعر شاعران بزرگ پسا اسلامی نیز نشان دادم که همواره کشور ما ایران خوانده می‌شده است و مردم نیز خود را ایرانی می‌دانستند مانند

رودکی سمرقندی (سده های ۳ و ۴ خ):

شادی بوجعفر احمد بن محمد- آن مه آزادگان و مَفخر ایران

سنایی غزنوی (سده ۵ خ):

تا در ایران خواجه باید، خواجه «ایران شاه» باد - حکم  
او چون آسمان بر اهل ایران، شاه باد!

ناصر خسرو قبادیانی (سده ۵):

برون کرده است از ایران دیو، دین را - ز بی‌دینی چنین  
ویران شد ایران

منوچهری دامغانی (سده ۵):

زود شود چون بهشت، گیتی ویران -- بگذرد این روزگار  
سختی از ایران

نظامی گنجوی (سده ۶):

همه عالم تن است و ایران دل -- نیست گوینده زین قیاس خجل

خاقانی شروانی (سده ۶):

چون غلام تو است خاقانی، تو نیز -- جز غلام خسرو ایران  
مشو

دل که از درگاه تو محروم شد، محروم وار -- رفت و راه  
آستان صدر ایران برگرفت

انوری ابیوردی (سده ۶) پس از حمله ترکان غز به ایران و  
در شرح ویرانگری‌های آنان:

خبرت هست که از هرچه در او چیزی بود -- در همه ایران امروز نمادست اثر

عبید زاکانی (سده ۸) :  
ز بامداد ازل تا به انقراض ازل --- زمام ملک به فرمان  
شاه ایران کرد

اما در سال ۱۳۱۴ خ/ ۱۹۳۵ م. دولت وقت ایران به توصیه روشن‌فکران و به فرمان رضا شاه پهلوی از کشورهای خارجی خواست که پس از این در نوشته‌های میان‌کشوری (بین‌المللی) نام کشور ما را همان ایران بنویسند نه پرشیا با این استدلال که نام اصلی کشور ما از زمان باستان ایران بوده و هست و فارس تنها یک استان ما است. شاید این درخواست اشتباه بود زیرا همان طور که کشور مصر در زبان میان‌کشوری **Egypt** خوانده می‌شود و یونان در زبان خودشان **Hellas**، شاید لازم نبود نام کشور ما تغییر کند.

متأسفانه چون این نامگردانی در میان جنگ‌های جهانی روی داد بسیاری گمان می‌کنند که ایران کشوری جدید است و همان طور که امپراتوری‌های پروس/اتریش و عثمانی از بین رفت و کشورهایمانند ترکیه و دیگران به وجود آمدند امپراتوری پرشیا نیز از بین رفته و ایران یکی از بازماندگان آن است.

اکنون دشمنان ایران به این توهم دامنه می‌زنند که تا پیش از جنگ جهانی و حکومت پهلوی‌ها کشوری به نام ایران وجود نداشته است و ایران ساخته خاورشناسان است.

یکی که گویا اطلاعاتش بیشتر از رسانه‌های گروهی بود تا از مطالعه، در گفت و گویی اینترنتی از من پرسید: آیا شما گروه قومی به نام **Persians** [منظورش پارسی بود] دارید که حاکم کشورند و باقی غیرپارسی هستند؟ گفتم نه. از نظر فنی و در زبان انگلیسی **Iranian** و **Persian** مترادف و به یک معنا (ایرانی) هستند و طبقه حاکم نیز از قوم‌های مختلف اند. و جریان تغییر نام ایران در سال ۱۳۱۴ خ/ ۱۹۳۵ م را برایش گفتم.

هم چنین یکی از دوستانم در آلمان تعریف می‌کرد که دختری آلمانی از او پرسیده تو **Perser** (ایرانی) هستی یا **Iraner** (ایرانی)؟ دوست من هم گفته: **Iraner**. او نیز در توضیح گفته اگر می‌گفتی **Perser** می‌فهمیدم نژادپرستی و دیگر قوم‌های ساکن ایران را نادیده می‌گیری!؟!

در کتابی به نام «برنامه ایران» (Iran Agenda) نیز خواندم که **Not all Iranians are Persian** (همه ایرانیان پارسی نیستند!). در واقع اینان دانسته یا نادانسته سعی می‌کنند اصطلاح **Persian** را به صورت ظاهری و تحت اللفظی به «فارس» ترجمه کنند در صورتی که هرگز چنین معنایی برای این اصطلاح وجود نداشته است. در لغتنامه‌ها و فرهنگ‌های معروف و معتبری مانند آکسفورد و وبستر و «میراث امریکایی» (American Heritage Dictionary) همواره برای **Persian** نوشته شده است: **A native or inhabitant of Persia or Iran** (بومی یا ساکن ایران) یعنی ایرانی بدون قید نام هیچ گونه گروه قومی.

همان طور که نمی‌توانیم بگوییم کاربرد صفت «عثمانی» (عثمانلو/عثمانلی= منسوب به عثمان پسر ارطغرل) بر تمام چیزها و کسانی که در امپراتوری عثمانی زندگی می‌کردند تبعیض نژادی و نادیده گرفتن دیگر ساکنان غیرعضو خاندان عثمانلو (مانند عرب، یونانی، آلبانی و بالکانی و ...) بوده است.

امروزه دیگر گروه قومی مشخصی به نام پارس/فارس در ایران نداریم. شاید بتوانیم باشندگان استان فارس را فارسی/فارس بنامیم که البته آنان نیز خود را با شهر خود می‌نامند مانند شیرازی، فسائی، کازرونی و مانند آن. دیگر کسانی که «فارس» خوانده می‌شوند یا تهرانی اند یا اصفهانی (اسپاهانی)، یا خراسانی، سمنانی و .. که همه پارسی/فارسی زبانند. برای سادگی، فارسی زبان را «فارس» می‌گوییم در برابر ترک‌زبان که آن هم برای سادگی «ترک» گفته می‌شود. متأسفانه از هم‌میهنی آذربایجانی شنیدم که به زنی غیرایرانی می‌گفت: **I am Iranian but I am not Persian, I am Turk** با همین تصور که **Persian** یعنی فارس.

برای همین، به نظر من باید بر یکی بودن **Persia** و **Iran** (و نیز صفت **Persian** و **Iranian** و برابری آن‌ها در دیگر زبان‌ها) و روشن کردن این مطلب برای دیگران تأکید کنیم. البته برخی نیز پیشنهاد می‌کنند برای جلوگیری از سوء تفاهم و سوء استفاده‌ی ضد ایرانیان، بهتر است همواره از **Iran** و **Iranian** استفاده کنیم به جز در کاربردهای شناخته شده‌ای چون نام زبان ملی و سراسری (**Persian language**)، ادبیات و شعر پارسی (**Persian literature**)، فرش ایرانی (**Persian carpet**)، باغ ایرانی (**Persian garden**) و ...

پی‌نوشت:

یکی از دلیلهای من برای این پیشنهاد آن بود که ما رسانه‌ی نیرومندی و دارای برد زیاد برای گسترش آگاهی در دست نداریم. برخی از ایرانیان خارج از ایران هم گاه آن قدر تنبل اند که حتا نام زبان خودشان را هم می‌گویند **Farsi** نه ایرانی.